

Comparative analysis of the concept of common good and its construction in political approaches

Hoosein Rezai^{*}, Jalal Derakhsheh^{}**

Mohammad Reza Akhzariyan kashani^{*}**

Abstract

Common good as one of the basic concepts in political thought has not been independently explored so far. While this concept, along with concepts such as "public interest, public interest, public policy, public goods and common interests and public good", has formed the basis of most school approaches and debates. In the popular discourse of political science, "Common good" refers to the material, cultural, or institutional possibilities in which members of a community share interests. "Common good" is an important concept in political philosophy and political thought because the role, It is important in philosophical thinking about the public and private dimensions of social life. "Public life" in a political society is thought to involve: the joint effort of members to maintain certain possibilities for the common good. "Private life" involves the pursuit of each member of a distinct set of personal plans. This research is a developmental type and has been done in a descriptive-analytical manner using reliable library sources. Therefore, comparative analysis has been the concept of common good with other related concepts in the

* PhD Student in Political Science, Department of Political Science, Faculty of Law, Theology and Political Science, Research Sciences, hoosein.rezai@yahoo.com

** Professor, Faculty of Islamic Education and Political Science, Imam Sadegh University, (Corresponding Author), j.dorakhsheh@yahoo.com

*** Professor of Political Science at Tehran University, Faculty of Law and Political Science, Tehran, Iran, makashani@ut.ac.ir

Date received: 08.09.2020, Date of acceptance: 02.05.2021



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

approaches of political thought, and for this reason, it has conducted scientific and descriptive research in this regard.

Keywords: Common good, political thought, public interest, public policy, public goods, Common good approaches.

تحلیل مقایسه‌ای مفهوم خیر عمومی و بر ساخت آن در رویکردهای سیاسی

حسین رضایی*

جلال درخشه**، محمدرضا اخضریان کاشانی***

چکیده

خیر عمومی به عنوان یکی از مفاهیم اساسی در اندیشه سیاسی تاکنون بصورت مستقل مورد کنکاش قرار نگرفته است. در حالیکه این مفهوم در کنار مفاهیمی چون "منافع عمومی، مصالح عمومی، سیاستگذاری عمومی، کالاهای عمومی و منافع مشترک و خیر مشترک"، اساس و بن‌مایه اغلب رویکردها و جدال‌های مکاتب گوناگون را شکل بخشیده است. در گفتمان متداول علوم سیاسی، "خیر عمومی" به آن امکانات مادی، فرهنگی یا نهادی گفته می‌شود که اعضای یک جامعه در آن اشتراک منافع دارند. "خیر عمومی" مفهوم مهمی در فلسفه سیاسی و اندیشه سیاسی است؛ زیرا نقش مهمی در تفکر فلسفی درباره ابعاد عمومی و خصوصی زندگی اجتماعی دارد. این مقاله در پی آن است که بطور تحلیلی مقایسه‌ای سیر مفهومی خیر عمومی را در مقایسه با سایر مفاهیم، هم بصورت تعریف مفهومی و هم در قالب رویکردهای اندیشه‌های سیاسی مطالعه نموده و ادبیات این مفهوم را بطور مجزا مورد توجه قرار دهد. خیر عمومی چیست؟ چه تفاوتی با سایر مفاهیم دارد و در اندیشه

* دانشجوی دکتری رشته علوم سیاسی، گروه علوم سیاسی دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد

علوم تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، hoosein.rezai@yahoo.com

** استاد تمام گروه علوم سیاسی دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)،

j.dorakhshah@yahoo.com

*** استادیار مرکز مطالعات عالی انقلاب اسلامی دانشگاه تهران، تهران، ایران، makashani@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۱۸، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۱۲



Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

سیاسی چه جایگاهی دارد؟ در این مقاله که از نوع توسعه‌ای بوده و به شیوه توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع معتبر کتابخانه‌ای به دست آمده، تفاوت‌ها و وجوه مختلف این مفهوم نشان داده شده و در چشم‌اندازهای مختلف برای اولین بار این مفهوم مورد تحلیل قرار گرفته است.

کلیدواژه‌ها: خیر عمومی، اندیشه سیاسی، منافع عمومی، سیاست‌گذاری عمومی، کالاهای عمومی، رویکردهای خیر عمومی.

۱. مقدمه

"خیر عمومی" مفهوم مهمی در فلسفه سیاسی است؛ زیرا نقش مهمی در تفکر فلسفی درباره ابعاد عمومی و خصوصی زندگی اجتماعی دارد. اساساً، چرا ما باید در مورد سود مشترک فکر کنیم؟ جامعه‌ای که اعضای آن از زندگی عمومی خارج می‌شوند و به طور انحصاری بر زندگی خصوصی خود تمرکز می‌کنند چه کسانی را متضرر می‌کنند؟ اینها بعضی از سوالاتی هستند که مباحث فلسفی را درباره‌ی خیر عمومی مطرح می‌کنند.

در فلسفه و اخلاق، «خیر عام» یا «خیر عمومی» به نوعی از «خیر» یا «خوبی» گفته می‌شود که برای بیشتر اعضای یک جامعه سودبخش است. این که چه چیزی خیر یا خوبی است و برای بیشتر افراد یک جامعه سودبخش است ممکن است در طول زمان یا در جوامع مختلف تغییر کند (یونگرت، ۲۰۰۹، ۷). خیر عمومی یا خیر مشترک در فلسفه، اقتصاد و علوم سیاسی به آنچه همه یا بیشتر اعضای یک جامعه مشخص در آن مشترکند یا از آن نفع می‌برند، یا به آنچه از شهروندی، کنش دسته‌جمعی و مشارکت فعال در قلمروی سیاست و خدمت عمومی حاصل می‌شود، اشاره دارد. مفهوم خیر عمومی در بین آموزه‌های فلسفی مختلف، تفاوت‌های شایانی دارد. فلاسفه یونان باستان از جمله ارسطو و افلاطون مفاهیم اولیه خیر مشترک را طرح‌ریزی کردند. یک فهم از خیر عمومی که ریشه در فلسفه ارسطو دارد امروزه کاربرد شایع دارد و به چیزی اشاره دارد که یک دانشور معاصر آن را «خیر مناسب جامعه و تنها قابل حصول توسط آن، ولی در اشتراک اعضای آن» خوانده است (زمان، ۲۰۰۴، ۱۱).

طرز تلقی هر جامعه‌ای از مفهوم خیر عمومی علاوه بر تاثیرگذاری در سرنوشت و سیاست‌گذاری در آن جامعه و تکوین ساختاری آن می‌تواند از مبانی و بنیان‌های خاصی

نشأت گرفته باشد. بررسی و شناخت پایه و اساس شکل‌گیری نهادی این مفهوم در اندیشه‌های غرب، می‌تواند در شناخت نحوه زیست جهان جمعی در این فرهنگ‌ها ما را یاری رساند و در درک و فهم لسان این جوامع موثر و مفید باشد (سالواتوره، ۲۰۱۲، ۲۸). از این نظر می‌توان گفت که مسئله اساسی در اینجا برداشت و مفاهیم بنیادی اندیشه سیاسی از مفهوم خیر عمومی در سپهر سیاسی جامعه غربی است. اندیشه سیاسی می‌تواند واقعیت سیاسی را بازتولید و بر ساخت نماید لذا از منظر سیاسی می‌توان تبلور خیر عمومی را در بافتار جامعه و کنش سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مردمان هر جامعه‌ای ملاحظه نمود و تبلور عینی آنها را ردیابی و تحلیل کرد.

چگونه می‌شود ضمن حفظ آزادی‌های فردی نظام مبتنی بر خیر عمومی را نیز تداوم بخشیده و جامعه عمل پوشانند؟ ریشه تاریخی این مفهوم در تئوری سیاسی جمهوری خواهی کاملاً آشکار است، که ادعا کرده است که خیر عمومی چیزی است که تنها با ابزار سیاسی و اقدام جمعی شهروندان شرکت‌کننده در خودمختاری خود حاصل می‌شود. در عین حال، مفهوم خیر عمومی بطور تنگاتنگ با ایده شهروندی، تعهد متقابل به کالاهای عمومی و ارزش عمل سیاسی به عنوان خدمات عمومی پیوند خورده است. بنابراین، نقش مهمی در دفاع از ترتیبات جمهوری خواهانه نیز ایفا کرده است (Encyclopedia of Britannica, Simon Lee, 2020).

هنگامی که شهروندان با سؤالات مختلفی در مورد قانونگذاری، سیاستگذاری عمومی یا مسئولیت اجتماعی روبرو می‌شوند، این خواسته‌ها را با درخواست تجدیدنظر در مورد امکانات و علایق مربوطه مرتبط می‌سازند. چه اشکالی دارد در جامعه‌ای که اعضای آن از زندگی عمومی خارج می‌شوند، صرفاً بر زندگی شخصی خود تمرکز کنند؟ اینها برخی از سؤالاتی است که باعث ایجاد انگیزه در بحث‌های اندیشه سیاسی در مورد خیر عمومی می‌شود.

اهمیت و ضرورت این مقاله در آن است که؛ مفهوم خیر عمومی یکی از مهم‌ترین مفاهیم در حقوق عمومی و اساسی کشورهای جهان است. حتی در تاریخ یونان و روم باستان نیز این مفهوم مطرح بوده و کاربرد داشته است. لذا در حقوق عمومی مدرن و معاصر، منافع عمومی به معنی مشارکت آزاد و برابر مردم یک کشور در ایجاد و اداره دمکراتیک جامعه سازمان یافته سیاسی (دولت)، برای تحقق منافع عمومی، و خیر مشترک می‌باشد (نوبهار، ۱۳۹۱، ۶). خیر عمومی از این نظر یکی از مفاهیمی است که همیشه بین

متفکران اندیشه سیاسی و اقتصاد سیاسی مورد چالش و بحث اساسی بوده است (ریچ، ۲۰۱۸).

این مقاله بطور تطبیقی و تحلیلی مقایسه‌ای سیر مفهومی خیر عمومی را در مقایسه با سایر مفاهیم هم بصورت تعریف مفهومی و هم در قالب رویکردهای اندیشه‌های سیاسی مطالعه نموده و بر ادبیات این مفهوم بطور مجزا پرداخته و دایره آن را گسترانیده و غنا بخشیده است. اندیشه‌های سیاسی و سیاستگذاری عملی و دیپلماسی منافع ملی، متأثر از اندیشه‌های مرتبط با خیر عمومی است. از این نظر جریان‌ات و احزاب سیاسی بسته به رویکردها به خیر عمومی در حوزه سیاستگذاری و دیپلماسی، اصول عملی و راهبردهای عینی را برای خود تعریف نموده و متأثر از آن پیش می‌برند (ریچاردن، ۱۹۹۶). چالش برداشت از این مفهوم را امروز نیز می‌توان مشاهده کرد در سیاست روز هر جریانی خیر عمومی را در راهبرد خاصی از سیاستگذاری تعریف می‌نماید. برخی نقش دولت و حاکمیت را پررنگ می‌دانند و برخی نهادهای مدنی، بازار و کنشگران فردی را تأمین کننده و حافظ منافع و خیر عمومی می‌دانند (پتیت، ۲۰۰۴). لذا سیر مفهومی خیر عمومی علاوه بر تلازم و تلاقی با سایر مفاهیم دور و نزدیک نظیر: مصلحت عمومی، منافع عمومی، سیاستگذاری عمومی، حکمرانی مطلوب و خوب، مصالح عامه و ... تعیین کننده سرنوشت سیاست‌های عمومی و ملی نیز بوده است.

با این توصیف، تحلیل مقایسه‌ای مفهوم خیر عمومی و بر ساخت آن در رویکردهای مختلف اندیشه سیاسی و تشریح مفاهیم مرتبط هدف اصلی این مقاله بوده و سعی نموده است با روش توصیفی - تحلیلی و تطبیقی از نوع کیفی، مسئله را بازشناسی و تحلیل نماید. در هر حال، با توجه به این که موضوع مورد مطالعه در این مقاله بنا به اقتضائات زمانی و مکانی و همچنین ماهیتی به گونه‌ای بوده است که امکان رسیدن به نتایج مطلوب از طریق روش کمی کمتر میسر می‌گردد، محقق روش توصیفی - تحلیلی را به عنوان رویکرد اساسی روشی خود انتخاب کرده است. لذا در این تحقیق از ادبیات فنی و غیر فنی (technical and non technical literature) به ویژه مطالعات پژوهشی در راستای حساسیت نظری (theoretical sensitivity) نسبت به موضوع استفاده شده تا امکان مقایسه و تطبیق افکار روشن و آشکار گردد.

۲. مبانی نظری و مفهومی

با توجه به این که مباحث مرتبط با خیر عمومی به ویژه با نگاه به متفکران مهم اندیشه سیاسی معاصر موضوعی جدید و عمدتاً در ذیل اندیشه‌های سیاسی بوده است پژوهش جدی و مهم به خصوص در حوزه زبان فارسی کمتر می‌توان یافت. مهمترین اثر پژوهشی را شاید بتوان **پایان نامه آمنه نوبهار (۱۳۹۱)** عنوان نمود که با عنوان "خیر عمومی در اندیشه سیاسی مسیحیت و اسلام" در دانشگاه علامه به نگارش درآمده است. در این رساله به این پرسش پاسخ داده شده که خیر عمومی در سنت اندیشه مسیحیت و اسلام از چه عناصر و مؤلفه‌هایی تشکیل شده است. آکویناس سیاست و حکومت را از منظر مفهوم خیر عمومی بررسی می‌کند و میان کارویژه‌های دولت و کلیسا تمایز قائل می‌شود. کارویژه حکومت، تأمین خیر عمومی شهروندان و کارویژه اصلی کلیسا هدایت مردم به سوی سعادت و غایت نهایی انسان‌ها است. بدین ترتیب، آکویناس استقلال دولت از کلیسا را می‌پذیرد. فارابی ضمن بیان دسته‌بندی خود از علوم، فقه را عرصه مناسب‌تری برای پرداختن به جزئیات مصالح حیات جمعی تلقی می‌کند. به نظر می‌رسد در اندیشه اسلامی، فلسفه بیشتر عهده‌دار تفکر انتزاعی و نظری محض است، و فقه عهده دار ارائه راه‌حل در امور عملی جامعه محسوب می‌شود. آموزه‌های اسلامی و مسیحی با شناسایی امر عمومی سازگاری خود با نظریه خیر عمومی را نشان داده‌اند. در برخی از نهادها، عناصر و پیش شرط‌های خیر عمومی مانند نیاز مردم به امنیت و عدالت به رسمیت شناخته شده است (نوبهار، ۱۳۹۱، ۸۵).

سایر تحقیقاتی که در ایران صورت گرفته است عمدتاً در قالب مفاهیمی چون "مصلحت عمومی، حوزه عمومی، منافع عمومی، مصالح ملی، امت و ... بوده است". هر یک از این مقولات نیز از منظر علوم چون سیاست، جامعه‌شناسی، اقتصاد، فلسفه، دین و الهیات به موضوعات نگریسته‌اند. در ادبیات دنیای غربی مفهوم خیر عمومی و مفاهیم مرتبط با آن بطور جدی مورد کنکاش قرار گرفته است که در اینجا به تعدادی از این محققان اشاره می‌شود:

ملانی جانسون و همکارانش (Melanie Johnson & et al (۲۰۱۵) در اثری تحت عنوان "خیر عمومی، اقتصاد اکولوژی و الهیات سیاسی (Common Goods Economy, Ecology, and Political Theology)" ابعاد مختلف موضوع را مورد ملاحظه قرار داده‌اند. تفکر درباره امر عمومی و مشترک ممکن است برای برخی از ما خوشایند و خوب باشد. لیکن چگونه

می‌توان بین انسان‌های مختلف اشتراک ایجاد کرد و منافع عمومی را تامین نمود؟ چطور می‌توان فضاهای مشترک اجتماعی، فیزیکی و مجازی، باز، متمرکز شده را به صورت مقطعی به اشتراک گذاشت؟ آیا مباحث سستی که در میان مسیحیان پیشرو و متفکران سیاسی لیبرال به خوبی شناخته شده‌اند، امر نادرست یا درستی متبادر می‌کند؟ بیش از حد ناسازگارانه نیست؟ همانطور که در این پژوهش می‌بینیم، مشترکات باقی مانده از این سیاره سرزمین‌های آن، آب‌های آن به دست آوردن، تخریب و تخریب برای آینده، استخراج و تبدیل شدن به کالاهای مشاع و جهانی، هزینه‌های خود را متحمل می‌کند. اقتصاد فراملیتی و اوضاع آتی وضعیت خیر عمومی را به چه سمتی می‌برد؟ (جانسون و همکاران، ۲۰۱۵، ۲۶). این موارد از جمله مباحثی ست که در این پژوهش مورد کنکاش قرار گرفته است.

مارتین شلاگ و جان آندرس مرکادا (Martin Schlag, Juan Andrés Mercado) (۲۰۱۲)

خیر عمومی را از منظر بازار آزاد و نحوه تلاقی منافع فردی و جمعی مورد توجه قرار داده و آثار صاحب‌نظران را نیز بر این اساس مورد واکاوی قرار می‌دهند. نکته مهم کار آنها در تاکید بر ابعاد فرهنگی خیر عمومی ست که تحت تاثیر بازار آزاد مورد توجه و تغییر قرار می‌گیرد. از این نظر اثر آنها تحت عنوان "بازار آزاد و فرهنگ خیر عمومی" (Free Markets and the Culture of Common Good) سیر مفهومی این مقوله را بطور مستقل از منظر اقتصاد سیاسی و فرهنگ عمومی مورد بازنگری و تحلیل قرار می‌دهد (شلاگ و مرکادا، ۲۰۱۲، ۵۳).

دیوید هولنباخ David Hollenbach (۲۰۰۴) در کتاب "خیر عمومی و اخلاق

مسیحی" (The Common Good and Christian Ethics) از منظر دینی و اخلاقی مفهوم خیر عمومی و مفاهیم مرتبط با آن را مورد کنکاش قرار داده است. وی در آثار خود علاوه بر سیر تاریخی و مطالعه تطبیقی این مفهوم از منظر الهیات سیاسی و اقتصاد سیاسی در چارچوب اندیشه سیاسی نیز موضوع را مورد مطالعه قرار داده است. اثر "خیر عمومی و اخلاق مسیحی هولنباخ" سنت دیرین منافع مشترک را به گونه‌ای بررسی می‌کند که به تمایز اجتماعی معاصر، در هر دو شکل ملی و جهانی توجه داشته باشد. دیوید هولنباخ بر تحلیل اجتماعی، فلسفه اخلاقی و اخلاق الهیات می‌پردازد تا مسیرهای جدیدی را در زندگی شهری و جامعه جهانی باز نماید. او استدلال می‌کند که تقسیم میان طبقه متوسط و فقیر در شهرهای بزرگ و چالش‌های جهانی شدن نیازمند تعهد جدید به منافع عمومی و خیر عمومی است. هر دو گروه اجتماعی مؤمن و سکولار باید به این سمت حرکت کنند. اشکال

جدیدی از همبستگی، برای با هم زندگی کردن باید شکل بگیرد. هولنباخ دیدگاه مثبتی ارائه می‌دهد که چگونه یک درکی از بازسازی از مفهوم خیر عمومی می‌تواند منجر به زندگی بهتر برای همه، هم در شهرها و هم در سطح جهان شود. این مطالعه بین رشته‌ای، همکاری‌های عملی و نظری را به شکلی در حال گسترش برای زندگی اجتماعی، فرهنگی و مذهبی امروز تبدیل می‌کند (هولنباخ، ۲۰۰۴، ۴۵).

۳. مفاهیم مرتبط با اندیشه‌های خیر عمومی

۱.۳ مفهوم خیر عمومی

خیر عمومی مفهومی است که به طرق مختلف و از منظر رویکردهای فلسفی، سیاسی، جامعه‌شناختی، اقتصادی و دینی تعریف شده و مورد ملاحظه قرار گرفته است. مجموع امور خیر و مطلوبی را که از طریق کنش‌های جمعی در طی یک دوره‌ای شکل گرفته و از طرف اکثریت اعضای آن جامعه، مطلوب، خواستنی و خیر بطور عام تلقی شود را می‌توان خیر عمومی نامید. به عبارت دیگر آن نوع امور خیری که برای انسانها ذاتاً عمومی، خیر و مشترک هستند و آنها به وسیله این نوع دارایی یا میراث خیر با هم به کنش متقابل می‌پردازند و بصورت جمعی آنها را خیر می‌دانند؛ نظیر ارزش‌ها، فضایل مدنی، احساس عدالت و سایر امور خیرمادی که قابل تقلیل به منابع و امور قابل استفاده فردی نیستند، را می‌توان تحت عنوان خیر عمومی تعریف نمود.

لذا خیر عمومی همان اموری است که عمومیت دارد و مشترک است و عمومیت و اشتراک آن ذاتی است و به صلاح و صرفه جامعه تمام می‌شود (نه لزوماً فرد) و روابط بعدی نیز بر اساس آن شکل می‌گیرد. از این جهت خیر عمومی با مفاهیمی چون خیرات مشترک (public goods)، خیر جمعی (Collective goods)، منافع مشترک (public benefits)، مصالح عمومی (general goods) و نظایر آن تفاوت و تمایزاتی دارد که در اینجا برخی از آنها مورد توجه و تحلیل قرار گرفته است.

دوپره (۱۹۹۴: ۱۷۳) اخیراً مفهوم کلاسیک خیر عمومی را جمع بندی نموده و آن را بعنوان امری مطلوب، مناسب و قابل دستیابی صرفاً بوسیله اجتماع تعریف می‌کند، که به طور جداگانه بین اعضای آن به اشتراک گذاشته می‌شود از نظر ژاک مارتین، فیلسوف بزرگ آکوناس گرای (توماس آکوناس) قرن بیستم، خیر عمومی را اموری تشکیل می‌دهند که

برای انسان‌ها ذاتاً عمومی و مشترک هستند و آنها با یکدیگر بوسیله این دارایی‌ها، ارتباط برقرار می‌کنند، مانند ارزش‌ها، فضایل مدنی و احساس عدالت (Maritain, 1946). کاهیل (Cahill, 2004, 9) خیر عمومی را به عنوان "یک انجمن همبستگی افراد که چیزی فراتر از منافع تک تک افراد در کل جامعه است" تعریف می‌کند.

دیوید هولنباخ (۲۰۰۲: ۸۱) در مطالعه عمده در مورد این موضوع، خیر عمومی را به عنوان حسن شهرت و امور خیر یک جامعه توصیف می‌کند، به عنوان "خیر یا خوبی‌ای که در روابط متقابل بین انسان‌ها حاصل می‌شود و از آن طریق انسان‌ها به سعادت می‌رسند. با این توصیف؛ خیر عمومی نتیجه یک عمل جمعی نیست که باعث می‌شود همه افراد بهتر از این باشند که به صورت جداگانه عمل می‌کنند، بلکه خیر عمومی همانی است که عمومیت دارد و مشترک است که خود مشترک بودن بصورت ذاتی به صلاح و صرفه جامعه تمام می‌شود و بوسیله آن روابط اقتصادی و سایر روابط نیز بوجود می‌آید.

همانطور که عنوان شد، کسانی که از این مفهوم استفاده می‌کنند از خیر عمومی هم به عنوان خیر عام و هم خیر خاص و فردی صحبت می‌کنند به عبارتی هم سطح کلان و هم سطح خرد آنرا در نظر دارند. بدون شک مفهوم "خیر عمومی" به لحاظ زبانی به طور نادرست، مبهم و مبالغه‌آمیز، کلی و بعضاً انتزاعی استفاده می‌شود.

در این جا با هدف نشان دادن چگونگی کاربرد آن با کمی دقت تحلیلی و بازگو کردن معنایی که به طور ضمنی بیانگر آن بوده است؛ این مفهوم را بیشتر توضیح می‌دهیم. ما با تمایز مفهومی بین کنش و خیر جمعی و کنش و خیر عمومی این تحلیل را پیش می‌بریم.

مردم کالاهای بسیار زیادی را با همکاری و تعاون با یکدیگر تولید می‌کنند، زیرا انجام این کار از نظر ابزاری ضروری و واجب یا (حتی اگر لازم نباشد) راحت یا کارآمد است. به عنوان مثال می‌توان به ساختمان‌ها، جاده‌ها، تهیه وعده‌های غذایی برای نیروهای کار در رستوران‌ها و سیستم دفع زباله اشاره کرد. هر کدام از ما می‌توانیم به تنهایی یک خانه بسازیم، اما نمی‌توانیم خیلی راحت این کار را انجام دهیم. بنابراین ما از اقدام جمعی استفاده می‌کنیم. اما به محض تولید چنین کالاهایی، می‌توانیم (حداقل در اصل) هریک به تنهایی از آنها بهره‌مند شویم - در خانه زندگی کنیم، در جاده سفر کنیم. لذا در مورد کالاهایی که از طریق اقدامات جمعی تولید می‌شوند، هیچ چیز فردی وجود ندارد زیرا این کار از نظر ابزاری ضروری، راحت یا کارآمد است. به این معنی که منافع آنها فقط به افراد تعلق

نمی‌گیرد. مطمئناً مردم از چنین کالاهایی که با همکاری همدیگر تولید شده، سود می‌برند: آنها در یک خانه با هم یا به تنهایی زندگی می‌کنند، در غذاخوری محل کار غذا می‌خورند. اما به اشتراک گذاشتن چنین کالاهایی مسئله‌ای است که باعث مطلوبیت آنها می‌شود. اگرچه اشتراک‌گذاری برای هر گیرنده سودمند است، اما هیچ چیز ذاتی برای خود کالا وجود ندارد، که به اشتراک آن نیاز باشد. این‌ها، کالاهایی هستند که عرضه آنها نیاز به اقدام جمعی دارد - این امر به دلایل اساسی صورت گرفته است، اما نه به دلیل ذاتی بودن کالا - و ممکن است مصرف آنها مشترک باشد یا نباشد. لذا برای قابل فهم شدن مباحث همه این امور خیر را "خیرات مشترک" (public goods) می‌نامیم. بیشتر مفاهیمی که در ادبیات علم اقتصاد مورد استفاده بوده در این مقوله قرار می‌گیرند. نوع دیگری از خیر مشترک (shared good) نسبتاً متفاوت نیز وجود دارد که شامل امور خیری است که ذاتاً خیرات مشترک هستند. اصطلاح "خیر مشترک" مترادف چیزی است که چارلز تیلور (۱۹۹۵) "کالاهای غیرقابل کاهش اجتماعی" می‌نامد. ما ترجیح می‌دهیم در عوض از اصطلاح "خیر عمومی" استفاده کنیم تا بتوانیم روابط بین خیر عمومی در سطح خرد و کلان را بهتر درک کنیم (دنولین و تاوونز، ۲۰۰۶، ۱۰-۱۳).

با مثال‌های بالا اجرای موسیقی ارکستر یا کر، یک جشن شام یا یک ورزش گروهی را مقایسه کنید. با در نظر گرفتن اولین مورد، اگر نوازندگان مختلف هر کدام قطعات خاص خود را بنوازند یا آواز بخوانند، و یا با هم برای مخاطب اجرا کنند، "خوب" به هیچ وجه نمی‌تواند ثمره‌ای داشته باشد. چون "تولید جمعی" آن جدایی ناپذیر است، در واقع دقیقاً همان چیزی است که در مورد ذاتی خود خوب است: خوب بودن آن در عمل با هم نهفته است که آن را تولید می‌کند. علاوه بر این چه در ارکستر یا مخاطب، بهره‌مندی از خوبی‌ها با مشارکت در آن اقدام است. این بدان معناست که عمل مشترک ذاتی است، و همچنین برای خود خیر مفید است و همچنین مطلوبیت آن در جریان آن عمل مشترک است.

ویژگی خیر عمومی این است که نمی‌تواند به تنهایی توسط افراد تعریف شود. آنها نه توسط افراد به طور جداگانه قابل ساخت هستند و نه "بانک منابع" تولیدی جمعی در اختیار افراد برای انتخاب، یا انتخاب نکردن وجود دارد. با وجود این، آنها فقط به دلیل نوعی همکاری اجباری نیز وجود ندارند. خیر عمومی به دلیل یک سنت عمل مشترک وجود دارد که آنها را امکان پذیر می‌کند، و در آن مردم آزادانه مشارکت می‌کنند، در نتیجه

آن را حفظ و توسعه می دهند. مطمئناً افراد خاص ممکن است آزادانه شروع به مشارکت یا توقف در این کار کنند. اما این امور خیر بیش از آنکه به سادگی با انتخاب فردی از یک منبع موجود قابل دستیابی باشند، فقط در کنش مشترک با هم تولید می شود.

خیر جمعی، خیرات مشترک و خیر عمومی (Collective goods, public goods and common goods) از این حیث مشابه هستند که هر سه به یک اقدام مشترک احتیاج دارند. اما این امر برای خیر جمعی و خیرات مشترک بصورت تصادفی و تعاون اجباری است، در حالی که برای خیر عمومی امری ذاتی است. اقدام جمعی که دامنه اموری را گسترش می دهد که افراد می توانند از آن طریق برای بهره‌مندی انتخاب کنند، کالاهای مشترک را در دسترس کسی قرار نمی دهد. اینها به چیزی از نظر کیفی و هماهنگی عمل با دیگران احتیاج دارد زیرا سود هریک از آنها در این امر وجود دارد.

با فراتر رفتن از خیر عمومی‌های "خرد"، می توان در مورد "خیر عمومی عام" صحبت کرد وقتی که آنچه در نظر است فقط یک خیر عمومی یکبار مصرف نیست (مانند مثال‌های ذکر شده، کنسرت، یک بازی تیمی، یک پیاده روی مشترک) اما یکی از مواردی است که در طول زمان دوام می آورد و به ویژه برای گروهی از افراد که زندگی آنها به طرق مختلف تعامل دارد، مفید است، معمولاً به این دلیل که شرایط زندگی مادی یکسانی دارند. این می تواند یک صومعه، یک دهکده یا شهر، شهرهای باستانی یا شهر مدرن باشد. منافع مشترک یک شهر مشابه کنسرت است، اما کنسرت شهر تا بینهایت ادامه دارد. ساکنان همانطور که در زندگی شهری مشارکت دارند امور خیری را تولید می کنند که در غیر این صورت وجود نداشته است. بنابراین ما به ایجاد یک امر خیر کاملاً خارق العاده و پیچیده و آشکارا غیرقابل کاهش کمک می کنیم - امری که به طور جداگانه در دسترس هیچ یک از افراد حاضر نیست. منافع هیچ موجود اجتماعی و فرهنگی را نمی توان به اموری تقلیل داد که اصولاً فقط اعضای سازنده آن می توانند از آن بهره مند شوند. چنین خیر مشترکی در عوض یک بیشینه سازی، برای تعریف و تشکیل "جامعه" است. ما در مورد خیر عمومی صحبت می کنیم زیرا این فقط یک خیر مشترک گسسته و منتقل کننده نیست، بلکه مربوط به مردم است که دقیقاً همانطور که یک جامعه را تشکیل می دهند (دنولین و تاونزند، ۲۰۰۶، ۱۰-۱۳).

شاید تأکید بر دو نکته روشن کننده باشد. اول، البته هم خیر عمومی وجود دارد و هم "بدهای" (شر) عمومی. از نظر تحلیلی، آنچه باعث مشترک شدن خوب می شود این نیست که آن را خوب کند. بسیاری از افراد ساعت شلوغی شهر را "بد" می دانند، ولی این به معنای بد بودن کلیت شهر نیست. نژادپرستی همیشه خیر عمومی را خراب می کند. قوانین آپارتمان یک ساختار مشترک بد را ایجاد کرده است. نکته دوم اشاره به منافع مشترک یک شهر، به این معنی نیست که آنچه در واقع این خیر شامل آن است، مورد توافق همه قرار خواهد گرفت. برعکس، این مسئله ممکن است مورد بحث واقع شود. با این حال شناخت این ادعا که ممکن است از این طریق در مورد "منافع مشترک" صحبت کنیم، باطل نمی شود. در واقع در برداشت ارسطویی که بیش از هر شخص دیگری در شکل گیری اندیشه غربی در این مسئله نقش داشته است، بحث و گفتگو با هم در مورد آنچه که منافع پولیس را تشکیل می دهد، بخشی ذاتی از خیر عمومی آن شهر است. این امر ما را به سمت تبیین مفهومی بیشتری در رابطه با مفهوم خیر عمومی سوق می دهد، یعنی اینکه خیر عمومی یک مفهوم خاص سیاسی نیز است که برای آن می توان نقش کنش سیاسی را نیز تأثیرگذار دانست (دنولین و تاوونز، ۲۰۰۶، ۱۰-۱۳).

۲.۳ خیرات مشترک و خیر جمعی (public goods, Collective goods)

خیرات مشترک با مفهوم خیر عمومی تفاوت های زیادی دارد. خیرات مشترک اساساً مفهومی است که در ادبیات علم اقتصاد بیشتر به چشم می خورد تا اندیشه سیاسی و یا فلسفه سیاسی. از این نظر بحث از خیرات مشترک، خیرات جمعی، منافع عمومی و کالاهای عمومی زمانی مطرح می شود که جامعه یا سیاستگذاران به این نتیجه برسند که تامین برخی از کالاها، خیرات و یا منافع، به طریق فردی امکان پذیر نبوده و از طریق بازار، عرضه و تامین نمی شود (دنولین و تاوونز، ۲۰۰۶، ۲-۹). لذا در مواردی که تدارک و تامین آنها به طریق فردی و یا از طریق بازار ممکن نیست از دولت خواسته می شود تا شکست بازار (Market Failure) را برطرف و جبران نماید. از طرف دیگر برخی از فعالیت های بازار و یا اشخاص نیز اثرات خارجی و بیرونی بر جای می گذارند که این اثرات ممکن است مثبت یا منفی باشد که اثرات منفی بخشی از محاسبات کنشگران اقتصادی و بازار در نظر گرفته نمی شود و بطور سستی ساماندهی به چنین اموری را وظیفه دولت ها می دانند (هیریتیر، ۲۰۰۱،

۲۳). از منظر علوم سیاسی مرز میان خیرات مشترک و انواع آن نیز چندان روشن و شفاف نیست؛ لذا علاوه بر شرایط موقعیتی و فناورانه و هزینه معاملاتی و همچنین اثرات خارجی در این قبیل خیرات، از نظر سازمانی و تامین چنین خیراتی و تعریف چگونگی آنها نیز به روندها و رویه‌های سیاسی و اجتماعی بستگی پیدا می‌کند. چرا که در بسیاری از موارد مشخص نیست که چه چیزی خیرات مشترک و یا منافع مشترک و یا خیر عمومی در سطح کلان طیف قرار می‌گیرد و معیار مطلق و عینی برای تعریف آنها به معنای عام وجود ندارد (کائول و مندوزا، ۲۰۰۳، ۷۹-۸۰). لذا آنچه که بطور عام مشخص کننده خیرات مشترک است به شرایط خاص تامین و مصارف این خیرات و همچنین خصوصیات فنی آنها بستگی دارد. با این توصیف در علم اقتصاد "خیر عمومی" به آن امکانات مادی، فرهنگی یا نهادی اشاره دارد که اعضای یک جامعه در آن اشتراک منافع دارند. برخی از نمونه‌های این اشتراک منافع، در یک دموکراسی لیبرال مدرن عبارتند از: سیستم حمل و نقل جاده‌ای گرفته تا؛ پارک‌های عمومی، حفاظت و امنیت عمومی؛ دادگاه‌ها و سیستم قضایی؛ مدارس دولتی؛ موزه‌ها و موسسات فرهنگی؛ حمل و نقل عمومی؛ آزادی‌های مدنی، مانند آزادی بیان و آزادی اجتماعات؛ سیستم اموال؛ آب و هوای تمیز؛ و دفاع ملی (بودانسکی، ۲۰۱۲، ۱۴؛ چن، ۲۰۱۴، ۵). این مفهوم بخشی از یک مدل جامع برای استدلال عملی در میان اعضای یک جامعه سیاسی، در نظر گرفته می‌شود. این تعریف به وضوح نشان می‌دهد که شهروندان در رابطه "سیاسی" یا "مدنی" با یکدیگر متحد هستند و این رابطه نیاز به ایجاد و نگهداری امکانات خاصی دارد زیرا این امکانات منافع مشترک خاصی را تامین می‌کند (اتزیونی، ۲۰۰۴، ۲۵). تسهیلات و منافع مربوطه با هم یک منافع مشترک را تشکیل می‌دهند و به عنوان یک دیدگاه مشترک برای انسجام سیاسی به کار می‌روند (دایره المعارف فلسفه استنفورد، ۲۰۱۸). خیر عمومی مفهوم مهمی در فلسفه سیاسی است؛ زیرا نقش مهمی در تفکر فلسفی درباره ابعاد عمومی و خصوصی زندگی اجتماعی دارد. تصور می‌شود که "زندگی عمومی" در یک جامعه سیاسی شامل تلاش مشترک بین اعضا برای حفظ امکانات خاص به منظور منافع مشترک است. "زندگی خصوصی" شامل پیگیری هر یک از اعضای یک جامعه متمایز از برنامه‌های شخصی در راستای تامین اهداف جمعی است (فینیس، ۲۰۱۱، ۳۲). به عنوان اعضای یک جامعه سیاسی، ما هر کدام در زندگی عمومی جامعه خودمان و در زندگی شخصی خود دخالت می‌کنیم، و این دخالت‌ها باعث می‌شود مجموعه‌ای از سوالات در مورد ماهیت و دامنه هر یک از این کنش‌ها مطرح شود. در

فلسفه و اخلاق، «خیر عام» یا «خیر عمومی» به نوعی از «خیر» یا «خوبی» گفته می‌شود که برای بیشتر اعضای یک جامعه سودبخش است (جانسون و همکاران، ۲۰۱۵، ۳۴). این که چه چیزی خیر یا خوبی است و برای بیشتر افراد یک جامعه سودبخش است ممکن است در طول زمان یا در جوامع مختلف تغییر کند. خیر عمومی یا خیر مشترک در فلسفه، اقتصاد و علوم سیاسی به آنچه همه یا بیشتر اعضای یک جامعه مشخص در آن مشترکند یا از آن نفع می‌برند، یا به آنچه از شهروندی، کنش دسته جمعی و مشارکت فعال در قلمروی سیاست و خدمت عمومی حاصل می‌شود اشاره دارد. مفهوم خیر عمومی در بین آموزه‌های فلسفی مختلف، تفاوت‌های شایانی دارد. فلاسفه یونان باستان از جمله ارسطو و افلاطون مفاهیم اولیه خیر مشترک را طرح‌ریزی کردند. یک فهم از خیر عمومی که ریشه در فلسفه ارسطو دارد امروزه کاربرد شایع دارد و به چیزی اشاره دارد که یک دانشور معاصر آن را «خیر مناسب جامعه و تنها خیر قابل حصول توسط آن، ولی بطور جمعی و بواسطه اعضای آن» خوانده است (مارتین، ۱۹۴۶، ۸).

۳.۳ منافع عمومی

واژه منفعت در لغت به معنای سود، بهره و فایده و نیز حاصل. واژه منفعت در لغت به معنای سود و بهره آمده است و عائد و خلاف مضرت (دهخدا، ۱۷۷۱) منفعت در این معنا از لحاظ ماهیت، به منفعت مادی و منفعت معنوی، از لحاظ سطح و دایره شمول به منفعت فردی، منفعت گروهی، منفعت عمومی، منفعت (منافع) ملی و منفعت جمعی (منافع بین‌المللی) و از لحاظ موضوع به منفعت اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی قابل تقسیم است. سطحی از سود و فایده تلقی می‌شود که همگان یا عموم «منفعت عمومی»، از این لحاظ افراد جامعه از آن برخوردار خواهند بود یا اموری که منفعت و فایده آن عاید عموم افراد جامعه می‌شود.

منفعت عمومی از مفاهیم چند وجهی و دوگانه به شمار می‌رود. در تعریفی ساده این مفهوم شامل اموری است که برای توده‌ی مردم مطلوبیت دارد و همگان را بهره‌مند می‌سازد. اهمیت منفعت عمومی تا جایی است که توانسته تلقی مکاتب فکری را از مفهوم دولت متحول کند. بر این اساس، دولت به تشکیلاتی اطلاق می‌شود که قدرت را به منظور ارائه‌ی خدمات عمومی اعمال می‌کند؛ خدماتی که قرار است به بهترین شکل ممکن تأمین‌کننده‌ی منافع عمومی باشند. لذا می‌توان داشتن ادراکی منسجم از نفع عمومی را الزامی اساسی

جهت مدیریت مؤثر و کارآمد امور جمعی تلقی کرد و آنرا غایت بنیادینی دانست که دغدغه تأمین‌اش نقطه‌ی اشتراک تمام اعمال و تصمیمات قوای سه‌گانه حکومت‌ها است. از این نظر منفعت عمومی در مقایسه با خیر عمومی، بیشتر جنبه اقتصادی و رفاهی را در بر می‌گیرد تا جنبه‌های غیر مادی زندگی اجتماعی (میشل رایش، ۲۰۱۸، ۱۹).

مفهوم نفع عمومی یکی از مهمترین مفاهیم در حقوق عمومی و اساسی کشورهای جهان است. بررسی نظریه‌های مختلف منافع عمومی در حقوق عمومی و اندیشه سیاسی غرب و شناخت مبانی و ضوابط و مراجع تشخیص آنها و تحقیق پیرامون نظریه و مفهوم مصلحت عمومی در فقه شیعه، و آشنایی با تفاوت‌های محتوایی و کاربردی این نظریه‌ها با همدیگر و شناخت میزان تأثیرپذیری نهادهای حکومتی در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران از نظریه‌های دینی و غیر دینی مذکور، بخشی از تبیین مفهوم خیر عمومی به شمار می‌رود. همچنین همانطور که پیداست مفاهیم عمده دیگری نظیر: پراگماتیسم و مصلحت عملی، مصلحت نظام، مصالح فقهی، مصالح عرفی، عدالت و مصلحت، حق و مصلحت، خرد جمعی، عقلانیت و منافع عمومی، دولت و مصلحت با چنین مفهومی در ارتباط و در یک سپهر اساسی قرار می‌گیرند (سلطانی، ۱۳۹۲).

۴.۳ مصالح عمومی

از حیث مفهومی، دایره شمول مصلحت، مضیق‌تر از منفعت است؛ بلکه تنها منافعی را در بر می‌گیرد که «منفعت» در بر نمی‌گیرد، چراکه مصلحت (به ویژه در معنای شرعی آن) بیانگر اصولی واحد است و همه افراد نوع انسان را شامل می‌شود، درحالی که منفعت، به تناسب واحدهای سیاسی و مصادیق متنوعی به خود می‌گیرد (افتخاری، ۱۳۷۷) از حیث مبنائی، منفعت مفهومی پوزیتیویستی است و معیارهائی صرفاً مادی و عینی دارد. درحالی‌که مصلحت (به ویژه در نگاه درون دینی) حاوی معیارها و ضوابطی فرا مادی است.

۵.۳ سیاستگذاری عمومی

واژه‌ی Policy که در زبان فارسی به معنای سیاست یا خط‌مشی معنا شده است، وقتی در کنار واژه‌ی Public به معنای عمومی قرار گیرد، شاخه‌ای از دانش را با عنوان علم دولت در

عمل تشکیل می‌دهد؛ که برخی آن را زیرمجموعه علم سیاست و برخی نیز علمی مستقل قلمداد می‌کنند (ملک محمدی، ۱۳۸۳). این دانش، به مطالعه و تحلیل عمل دولت‌ها می‌پردازد. سیاست‌گذاری‌های عمومی در واقع، تجلی اداره‌ی حکومت در عمل، است؛ که آن‌ها را می‌توان به عنوان مجموعه‌هایی ساختاری و مرتبط متشکل از مقاصد، تصمیمات و اعمالی که قابل نسبت به اقتدار عمومی در سطوح محلی، ملی و بین‌المللی هستند، در نظر گرفت.

وجود یک فرایند یا مجموعه‌ای از فعالیت‌ها و تصمیم‌های دولتی که با هدف حل یک مسأله‌ی عمومی طراحی شده‌اند، سیاست‌گذاری عمومی نامیده می‌شود (وحید، ۱۳۸۳، ۱۵).

۶.۳ کالاهای عمومی

کالای عمومی کالایی است که همه، دسته جمعی از آن بهره می‌برند به طوریکه مصرف هر فرد از چنین کالایی، کاهشی در مصرف دیگران از آن پدید نمی‌آورد یا کالایی که جلوگیری از مصرف آن توسط یک فرد، منوط به محرومیت دیگران از مصرف همان کالا باشد (مریدی و نوروزی، بی تا: ۱۱-۵۱). اقتصاددانان، کالاهای عمومی را یکی از عوامل شکست بازار معرفی کرده و از این منظر آن را مورد مطالعه قرار داده‌اند. مفهوم و تئوری کالاهای عمومی، ایده‌ای اقتصادی است و صرفاً از منظر اقتصادی و اثرات مالی، این مفهوم را مورد بررسی قرار می‌دهد، در حالی که در منفعت عمومی، ما با ارزش‌های اخلاقی، اجتماعی و فرهنگی جامعه روبرو هستیم؛ به این معنا که هر چیزی که باشد (اعم از این که این ارزش به دلیل باورهای «ارزش» و «فایده» برای همگان، حاوی اخلاقی جامعه باشد یا عادات اجتماعی و...) مورد توجه قرار می‌گیرد و در دایره شمول منفعت عمومی قرار می‌گیرد. علاوه بر این، از آنجاکه در علم اقتصاد، کالاهای عمومی را از عوامل شکست بازار محسوب می‌کنند، ضرورت مداخله دولت در تأمین و ارائه آنها نیز مورد توجه قرار می‌گیرد و همین امر، این مفهوم را به خدمات عمومی نزدیک و از منفعت عمومی دور می‌سازد (مانس بریج، ۲۰۱۳، ۸).

۴. رویکردها و اندیشه سیاسی خیر عمومی در غرب

خیر عمومی ریشه‌های عمیقی در تاریخ اندیشه فلسفی و دینی دارد. برای افلاطون (۱۹۶۸: ۱۸۵) "خوب" و "خیر" آنچه عینی بود، محسوب می‌شد، تعریف شده توسط "هر روحی که آن را دنبال می‌کند و به خاطر آن همه کار می‌کند". رسیدن به دانش "خیر" در جامعه موجب ایجاد وحدت می‌شود، که "بزرگترین نعمت برای یک دولت" است. در این برداشت، هیچ گونه تنشی بین دارایی خصوصی و عمومی وجود ندارد، زیرا تصور می‌شود افراد از طریق تعقیب عدالت (یک خیر عمومی) به خوشبختی (یک کالای خصوصی) دست می‌یابند. برای ارسطو (۱۹۴۱: ۱۱۸۸-۹۴۱) "یک کلیت جامع، به خاطر یک زندگی خوب" وجود دارد، و انسان‌ها، به عنوان حیوانات سیاسی، با کمک به منافع جامعه زندگی خوبی را طی می‌کنند. وی با طرح این سؤال که چگونه باید جامعه را برای دستیابی به این هدف محقق کنیم؟ چه نوع افرادی را تولید می‌کند، آغاز می‌کند (۱۹۴۱: ۷، ۱). این سؤال پیش‌بینی می‌کند که جامعه یک هدف مشترک دارد، اگرچه منافع عمومی و خصوصی افراد که هر دو جدا از هم هستند، در نهایت به طور فعال منافع فرد را شکل می‌دهند.

بنابراین، افلاطون و ارسطو دیدگاهی از منافع مشترک ارائه می‌دهند که به سادگی نمی‌توان به کل منافع شخصی کاهش یافت، اما با این وجود تفسیر آنها برای این منافع مساعد است. شهروندان با فضیلت، برآورده شده و اجتماعات هماهنگ هر دو پیامدخواست اهداف زندگی خوب هستند.

فیلسوفان روم باستان برداشتی مشابه از تداوم و ذاتاً سیاسی در مورد خیر عمومی و منافع مشترک داشتند. سیسرو (۱۹۲۸: bk. ۱ chx xv) حدود ۵۰ سال قبل از میلاد نوشت "مردم" یا "جمهوری" را به عنوان "یک مجموعه‌ای از انسان‌ها به هر طریقی جمع نمی‌کند، بلکه مجموعه‌ای از افراد با تعداد زیادی از افراد مرتبط برای توافق، با توجه به عدالت و مشارکت برای منافع مشترک است."

بیش از دو هزار سال قبل، ارسطو چالش این مفهوم را مطرح کرده است. هدف ارسطو این بود که اهداف مناسب برای یک انسان خوب را تشخیص دهد. زندگی در ابتدای اخلاق نیکوماخوس، به نظر او زندگی انسانی را می‌توان به عنوان یک قضیه خوب مطرح کرد، زیرا آن را با پیگیری نسبتاً پایدار از اهداف که به خودی خود خوب هستند شکل می‌دهند. بنابراین بازتاب‌های اخلاقی نظر ارسطو به تعیین ماهیت "خوبی" که مردم

می‌خواستند مشخص شود، برمی‌گشت. بر این اساس، او می‌خواست مشخص کند که شیوه زندگی چگونه می‌تواند به نام الگوهای زندگی واقعی "خوب" باشد. درک کامل او از اخلاق بر این اعتقاد استوار است که یک زندگی‌ای خوب است که برای پیگیری اهداف یا اهداف خوب اختصاص داده شده است (هولنباخ، ۲۰۰۴، ۳). یکی از مهم‌ترین نتیجه‌گیری‌های ارسطو این بود که یک زندگی خوب به منافعی بستگی دارد که با دیگران مشترک است. منافع مشترک جامعه بزرگتر؛ که فرد نیز بخشی از آن است. زندگی خوب یک فرد به کیفیت زندگی مشترک افراد با یکدیگر در جامعه بستگی دارد. بدین ترتیب منافع فرد و منافع مشترک جدای از هم نیست. در حقیقت، منافع عمومی جامعه باید در تعیین جهت زندگی افراد، اولویت داشته باشد؛ زیرا این امر بالاتر از منافع خاص تک تک افراد است (جان مالی، ۱۹۹۳، ۵).

آکویناس شناسایی و معرفی "خوبی" را که همه اشخاص با واقعیت خداوند در جستجوی آن هستند، دنبال کرده است. سنت توماس نیز نوشت: "خیر عالی، یعنی خدا، که خیر مطلق است، زیرا خیر همه چیز به خدا بستگی دارد." بنابراین، خیر هر یک از شخصیت‌ها به خوبی با دیگران در جامعه مرتبط است و بالاترین خوب بودن در زندگی همه چیز را، در خود خدا دیدن است. بنابراین، برای توماس آکویناس، پیگیری خیر عمومی، فرمان دوگانه کتاب مقدس را برای دوست داشتن خدا با تمام قلب، ذهن و روح خود و دوست داشتن همسایه خود به عنوان "امر عمومی خوب" دنبال کرده و لازم می‌داند (پاتریک ریوردن، ۱۹۹۶، ۵۴-۸۶).

سیر مفهومی خیر عمومی در اقتصاد مدرن (نئوکلاسیک)، به مفهوم دوران روشنگری از جامعه برمی‌گردد که تعریفی از نحوه تحقق اهداف افراد ارائه می‌دهد، و نه از این که از اهداف افراد چه نتیجه‌ای حاصل می‌شود و نه در مورد فرایندهایی که افراد را در جامعه شکل می‌دهد ("یوگانت، ۲۰۰۹، ۵). در اقتصاد نئوکلاسیک، خیر عمومی یک هدف عینی نیست که می‌تواند تشخیص داده شود و دنبال شود، بلکه مجموع منافع فردی است.

این ایده اولین بار توسط آدام اسمیت (۲۰۰۱، ۲۸۸) بیان شد، که یک فرد چگونه به دنبال دستیابی به منافع شخصی خود، ناخواسته "به طور موثرتری به نفع جامعه عمل می‌کند." به اصطلاح "دست نامرئی" از بازار، منافع خودخواهانه را برای به حداکثر رساندن سود مشترک، که به عنوان تولید و ثروت کارآمد و حداکثری تعریف می‌شود،

هدایت می‌کند (اتزیونی، ۲۰۱۵). در اینجا منظور از خیر عمومی رفاه فردی است که در یک نظام بازار آزاد؛ افراد به طور ذاتی و انگیزشی در پی کسب منافع بیشتر و ایجاد تعادل های طبیعی هستند که نتیجه آن رفاه تک تک افراد و تحقق عدالت و خیر عمومی نیز هست. از این نظر مفهوم خیر عمومی در اندیشه اقتصاددانان کلاسیک و اندیشمندان لیبرال سیاسی عمدتاً در گرو تامین منافع تک تک افراد جامعه است. لذا سخنی از کجروی ها و رفتارهای استثمار و ایجاد انحصارات برای گروه های خاص به میان نمی آید. با این توصیف می توان دریافت که چطور یک رویکرد در چگونگی تحقق "خیر عمومی" و نحوه برداشت از آن نتایج متفاوتی برای جامعه و افراد به دنبال داشته باشد (فنیس، ۲۰۱۱).

در بحث های سیاستگذاری عمومی در غرب و به ویژه در ایالات متحده آمریکا، نگرانی در مورد خیر عمومی و منافع مشترک، تحت الشعاع پارادایم قوانینی قرار می گیرد که اولویت را به حقوق و آزادی های فردی می دهد. طرفداران این مکتب فکری شامل محافظه کاران اقتصادی هستند که به دنبال حمایت قانونی از مقررات دولتی و «لیبرال های حقوقی» هستند که بخشی از دلایل تمایل به محدود کردن خشونت های اعمال شده توسط حکومت (مثلاً جنگ، خشونت پلیس، مجازات اعدام) حقوق مدون و محدودیت های وسیع در مورد قدرت دولتی به عنوان بهترین ابزار برای این هدف را دنبال می کنند (اتزیونی، ۲۰۱۵ و ۲۰۰۶). بنابراین، در ایالات متحده آمریکا، مخالفت صریح با اقدامات مختلف امنیتی که پس از حملات سال ۲۰۰۱ به مأموریت آمریکایی به وجود آمده است، بر این مبنا است که این اقدامات حقوق فردی را نقض می کند. به طور مشابه، بسیاری از افراد به این واقعیت که حریم شخصی افراد اغلب توسط دولت و شرکت ها نقض می شوند، متضمن این موضوع است که هدف از این قانون محدود کردن چنین سوء استفاده هایی است.

۱.۴ تکثرگرایی و مفهوم خیر عمومی

امروزه مردم عمیقاً می دانند که آنها همسایگان مختلف، چه در مجاورت و چه در دورتر دارند و این همسایگان ایده های زیادی در مورد زندگی خوب دارند. واقعیت کثرت گرایی روزانه به مردم تحمیل می شود زیرا هر روز در محل کار خود با کسانی که عقاید مذهبی و سنت های فرهنگی مختلفی دارند شانه به شانه هستند و نژاد یا قومیت آنها متفاوت از

خودشان است. آنها هنگام کار رفت و آمد و انجام خرید، زبان‌هایی غیر از انگلیسی می‌شنوند. البته این تفاوت‌ها را می‌توان منبع تنوعی دانست که زندگی انسان را هم برای افراد و هم در جامعه غنی می‌کند. اما تجربه تنوع با گزارش‌های منظم در رسانه‌ها، با درگیری قومی و مذهبی نیز همراه است (سولومون و همکاران، ۲۰۱۴).

تلویزیون همچنین تصاویری از درگیری باندهای شهری، تیراندازی رانندگان و مافیای مواد مخدر را به خانه‌های طبقه متوسط نشان می‌دهد. تحت تأثیر چنین گزارش‌ها و تصاویری، تنوع می‌تواند تهدیدآمیزتر از غنی‌سازی به نظر برسد. اگر افرادی که با هم متفاوت هستند حداقل از نظر بالقوه خطرناک به نظر می‌رسند، دیدن آنها به عنوان همسایه دشوارتر می‌شود. این تصور سخت است که زندگی که از جهات قابل توجهی با آنها به اشتراک گذاشته می‌شود، لذا می‌تواند زندگی خوبی باشد (هولنباخ، ۲۰۰۴، ۱۷).

سالها پیش، نظریه‌پرداز سیاسی مایکل ساندل (Michael Sandel) اظهار داشت: "ما می‌توانیم یک چیز مشترک را بشناسیم که به تنهایی نمی‌توانیم بدانیم." ساندل اظهار داشت که زندگی اجتماعی مشترک باعث می‌شود که دانش از خیر عمومی ممکن شود. استدلال او همچنین حاکی از آن است که یک زندگی عمومی در کنار هم، پیگیری عملی این امر عمومی را یک ضرورت اجتماعی می‌داند. گفته ساندل درست است. اما وقتی جامعه به همان اندازه از تنوع خود آگاه باشد که ما امروز واقف هستیم، می‌توان موردی واقع‌گرایانه برای این موقعیت ایجاد کرد. این تجربه مثبت از وابستگی متقابل اجتماعی، افراد را قادر می‌سازد از یکدیگر بیاموزند، بنابراین به درک زندگی خوب می‌پردازند که جدا از پیوندهایشان نمی‌توان تصور کرد. اما اگر تعداد زیادی از کسانی که به عنوان مثال موهایشان را شانه می‌زنند، غریبه به نظر برسند، بعید است که تجربیات مثبت وحدت اجتماعی بوجود بیاید. حتی وقتی اختلافات فرهنگی، سنت و شیوه‌های زندگی باعث می‌شود آنها مانند تهدیدی برای یکدیگر به نظر برسند، حتی کمتر احتمال وحدت وجود دارد. هنگامی که ترس از این تهدیدها لحنی را ایجاد می‌کند، تعامل با افرادی که با یکدیگر متفاوت هستند، به عنوان خطری برای جلوگیری از این امر تلقی می‌شود. تعامل جدی و آسیب‌پذیری متقابل می‌تواند بیشتر به عنوان "شرعمومی" به نظر برسد. "خیرعمومی" در چنین محیطی به یک وصیت‌نامه تبدیل می‌شود. بنابراین، یک تجربه مثبت از زندگی

مشترک، دانش مشترک درباره زندگی خوب است و ایده فلسفی خیرعمومی هم به نظر می‌رسد که در کنار هم فرار می‌گیرند (ساندل، ۱۹۸۹، ۱۸۳).

این یک وضعیت نسبتاً جدید برای غرب به طور کلی و به ویژه برای ایالات متحده است. البته پلورالیسم و ارتباط گروهی به معنای آنچه که گفته شد، مدت‌هاست که بوجود آمده است. امروزه مسئله جدید این است که آگاهی از تکثرگرایی روال عادی شده است. اختلافات فرهنگی و مذهبی به عنوان بخشی از شیوه‌های موجود شده و در آینده باقی می‌ماند. در اروپا پس از اصلاحات، آگاهی از اختلافات مذهبی بین پروتستان‌ها و کاتولیک‌ها واقعی بود، اما این اختلافات به عنوان ساده ماندن در این شکل پذیرفته نمی‌شد. مؤمنان کاتولیک امیدوار بودند که در یک تاریخ نامشخص، (آینده) پیروزی بر دشمنان مذهبی خود را رقم بزنند. به طور مشابه، در روزهای جنگ سرد قبل از وقایع پرخاشگرانه سال ۱۹۸۹، غربی‌ها می‌توانستند کره زمین را به جهان آزاد، جهان کمونیست، و آن مناطقی که بین دو بلوک برای جلوگیری از نفوذ متقابل در نظر گرفته شوند از هم متمایز کنند. و این به معنای گسترش ارزش‌های غربی در سراسر جهان تلقی می‌شد. چنین دیدگاه مشترکی از جامعه خوب در آینده از این اصل ناشی می‌شود که آزادی بهتر از استبداد است. از طرف دیگر، مارکسیست‌ها در بلوک شرق می‌توانستند خیرعمومی را به عنوان پیروزی بین‌المللی سوسیالیسم پیش‌بینی کنند. پایان جنگ سرد این ساده‌سازی‌ها را از بین برد و تصورات آتی را بسیار پیچیده‌تر کرد (هانوهان، ۲۰۰۲).

چند سال پیش، فرانسیس فوکویاما پیش‌بینی کرد که پایان درگیری ایدئولوژیک جنگ سرد منجر به "پایان تاریخ" خواهد شد، زیرا دموکراسی لیبرال غربی در سراسر جهان گسترش یافته و سیاست‌های آینده را صلح‌آمیز اما کسل‌کننده می‌کنند. کم‌کم این حرف ساده لوحانه به نظر می‌رسید. تا اینکه ظهور درگیری‌های قومی و مذهبی در صحنه بین‌المللی، اختلافات نهفته در بین مردمان را نشان داد که، به نظر می‌رسد حداقل به اندازه ایدئولوژی‌های غربی و مارکسیستی که قبلاً مدعی بودند، به جریان افتاده و مهم هستند (بودانسکی، ۲۰۱۲).

یافتن مسایل مشابه در بین جوامع نظیر ایالات متحده، خیلی سخت به نظر نمی‌رسد. این کشور امروز در مورد معنای آزادی مذهبی با سؤالات تفرقه برانگیزی روبرو است. ظهور جنبش‌های جدید مذهبی، "فرقه‌ها" و حتی شبه نظامیان در ایالات متحده نشان

می‌دهد که حداقل برخی از آمریکایی‌ها معتقدند که نمی‌توان به نهادهای سستی مذهبی و اجتماعی این کشور اعتماد کرد و از این طریق به یک کلیت سپرایمنی مفهوم خیر عمومی رسید. براساس خاطراتی از برده‌داری، راهپیمایی‌ها، محرومیت‌های قومی و آگاهی جدید از بیداری در خصوص الگوهای تاریخی سوء استفاده و تبعیض، گروه‌های مدافع با جدیت مخالف اعتماد به روش‌های سستی انجام کارها هستند. این روش‌ها و مؤسسات سستی از رفاه آنها محافظت نمی‌کنند و به آنها فرصتی عادلانه برای زندگی خوب نمی‌بخشند.^۱ برخی دیگر این مدافعان را تهدیدی برای جمهوری می‌دانند و به گونه‌ای دیگر پاسخ می‌دهند. بنابراین، بحث در مورد راه حل‌های مربوط به اثرات تبعیض نژادی، به طور گسترده‌ای در مورد اینکه آیا حمایت برابر از حقوق اساسی باید با رنگ باشد و مخالف اقدام تأییدآمیز باشد، یا رنگ و نژاد آگاهانه و پشتیبان عمل مثبت باشد، مانده است (چن، ۲۰۱۴، ۱۸). روی هم رفته، این حرکات متضاد باعث ایجاد شوک برای بدنه جامعه مدنی، تروما در سیستم فرهنگی و افلیج سازی در شبکه ارتباطی تعاملات اجتماعی می‌شود (مارتین، ۱۹۴۶).

در واقع، کاملاً مفسران اجتماعی بر این باورند که بدون شک، اگر بتوانیم منافع مشترک را شناسایی و دنبال کنیم، امروزه تبدیل به یک آرمان شهر شده است. شاید این یک معامله نوستالژیک از گذشته باشد، زمانی که مردم در کنار هم و در همسایگی نزدیک و در کشورهایی زندگی می‌کردند که کسانی که تفاوت چشمگیری با هم داشتند، می‌توانستند در یک مکان امن دور هم جمع شوند. اگر هر روز تمایل داشته باشیم که بگوییم: "روزی یک بار در آنجا باشید زندگی مشترکی بود که آنچه برای یک نفر خوب بود برای همه نیز خوب است. در آن روزها می‌توانستیم جلسات شورای شهر را به گونه‌ای برگزار کنیم و نمایندگان را انتخاب کنیم تا تصمیم بگیریم چگونه به منافع مشترکی که برای همه ما سود دارد، برسیم. اما امروز بهترین چیزی که می‌توانیم به آن امیدوار باشیم، تحمل نسبت به همه چیزهایی است که ما را از یکدیگر متمایز می‌کند، و در بدترین حالت باید برای جنگ آماده باشیم." بنابراین، وقتی مردم در مورد زندگی خوب اختلاف نظر دارند و آن را تصدیق می‌کنند که این اختلاف نظر خواهد ماند، این امید که آنها بتوانند "یک کالای مشترک را به عنوان حدی از خیر عمومی که به تنهایی نمی‌توانند بدان برسند" همچنان مقوله‌ای بسیار دست نیافتنی به نظر می‌رسد (جانسون و بافر، ۲۰۱۵).

طبق تعریف، پلورالیسم به معنای عدم توافق در مورد آنچه در نهایت صحیح و خوب است می‌باشد. جامعه کثرت‌گرایانه جامعه‌ای است که در آن مردم از درک کامل و عمق یک زندگی خوب نظر مشترک ندارند. بنابراین تقریباً با این تعریف به نظر می‌رسد کثرت‌گرایی تصور یک خیر عمومی را کاری غیرممکن می‌کند. به یقین، این امر نشان می‌دهد که ما باید از تلاش‌ها برای ترغیب مردم به داشتن زندگی به روشی که تحقق چشم‌انداز مشترک را دارد، صرف نظر کنیم. چرا که مبدا این تلاش‌ها باعث بی‌عدالتی‌های گذشته، تعمیق درگیری‌ها یا حتی جنگ شود. در جایی که هیچ دید مشترکی از زندگی خوب وجود ندارد، آیا صحبت از یک جامعه اصلاً منطقی است؟ هنگامی که افرادی که درک متفاوتی از آنچه موجب زندگی خوب می‌شود دارند، و یکدیگر را با خشونت و بدگمانی می‌شناسند، بهتر است از یک اجتماع متشنج سخن بگویند تا یک جامعه (بریج، ۲۰۱۳، ۱۴).

۲.۴ خیر عمومی، الهیات سیاسی و معجزه بازار

خیر عمومی و منافع مشترک، از آنچه تاکنون مورد تحلیل قرار گرفته از یک نظر با منافع فردی به گونه‌ای که کالاها و املاک، اشیاء و منابع فردی را در بر گرفته باشد در ارتباط است که همه این‌ها در جایی بنام بازار خلاصه می‌شود (سیم کادری، ۲۰۱۱، ۱۱).

مسیر معجزات از دوره طبیعت (بازار) از پیش تعیین شده توسط قوانین فرق نمی‌کنند. آنها معجزه‌آسا خود را از این واقعیت که وقوع‌شان پیش‌بینی شده است، مشتق می‌شوند. معجزات حوادثی هستند که طبق پیش‌بینی‌ها اتفاق می‌افتند، بنابراین به عنوان یک نشانه و دعوت غیرقابل انکار برای جستجوی فراتر از توضیحات پیرامون عمل می‌کنند. هر دو مفهوم معجزه اسمیت و روزنوزویگی به ما اجازه نمی‌دهند تا با شخصیت نامرئی بازار یا برخی عناصر فرضیه بازار بطور کارآمد درگیر شویم، که ادعا می‌کند بازار اساساً غیرقابل پیش‌بینی است. آنها همچنین به ما مبنایی کافی نمی‌دهند تا بتوانیم در مورد تعدیل اصول تولید ناشی از چرخه‌ها، که باعث ایجاد چیزهای جدید در میان واقعیت‌های اجتماعی مداوم است، باشیم. مفاهیم معجزه اسمیت یا روزنوزویگی، نیرویی قوی (حاکمیت غیرقانونی، هدایت مشیت، شخصیت‌های آینده را نشان می‌دهند) که در پشت معجزات قرار می‌گیرند. بازار معجزه‌های خود را با نیرویی ضعیف ابداع می‌کند (فنیس، ۲۰۱۱، ۱۴).

اقتصاددان بزرگ بریتانیایی، جان مینارد کینز، ویژگی اساسی سرمایه داری را "جذابیت شدید به غرایز پول‌سازی و پول‌دهی افراد" می‌داند. در همین راستا، او تا حدودی با تصویری همدلانه از بازرگانان و کارآفرینان را نشان می‌دهد که تحت کنترل چنین غرایز سرمایه‌داری قرار دارند که پیامدهای شرارت اقتصادی آنها باید با اشکال جدید مقررات تجارت عمومی برطرف شود. کینز در متن سال ۱۹۲۶، با کمال تعجب، ادعا می‌کند که "پیشرفت در رشد و به رسمیت شناختن اجسام نیمه‌خودمختار در درون دولت نهفته است. کینز ادامه می‌دهد، این ارگان‌ها باید "در آخرین استفاده از حاکمیت دموکراسی بیان شده از طریق پارلمان" باشند. بنابراین، چنین راه‌حلی "جامعه را درگیر استفاده از راهنمایی‌های اطلاعاتی از طریق برخی اقدامات مناسب در مورد بسیاری از مشکلات درونی مشاغل خصوصی می‌کند، اما این امر می‌تواند ابتکار خصوصی و بنگاه‌های اقتصادی را بدون مانع جلوه دهد (اتزیونی، ۱۹۹۹، ۱۷).

۳.۴ رویکرد دینی مسیحی

اندیشه متکلمان مسیحی که غالباً با استفاده از سنت یونانی و رومی بنا شده‌اند، در مورد خیر مشترک (دست کم از زمان آگوستین) تداوم داشته است. در شهر خدا آگوستین تعریف سیسرو را از جمهوری به عنوان مردمی که در پی دستیابی به منافع مشترک بودند، در نظر می‌گیرد.

محتوای این کتاب، خوبی را از دیدگاه مسیحیان مشخص می‌کند: خیر کسی نیست جز خدا، و دنبال کردن منافع مشترک این است که به خدا عشق و عبادت را که به خاطر اوست، داشته باشیم. توماس آکویناس تصور کلامی مشابهی را درباره خیر مشترک حفظ می‌کند: "نیکی خدا ... خیر کل جهان است." فرمول مسیحی در مورد منافع مشترک نیز در تصدیق تنش موجود بین خیر شخصی و عمومی با پیشینیان یونانی تفاوت دارد. آکویناس (۱۹۷۲: ۱۰۷-۱۹۷۲) نوشت که دولت واجد شرایط استبداد است زیرا "این امر به نفع منافع عمومی نیست، بلکه به نفع افراد خاصی است." علاوه بر این، منافع شخصی غالباً با خودخواهی و گناه، پادزهر عمل صالح انجام شده در خدمت خدا و منافع عمومی همراه است. مسیحیان مدرن بدون آنکه از این برداشت‌های اولیه خودداری کنند، زبان حقوق فردی را در تعریف خود از منافع عمومی گنجانیده‌اند. شورای دوم واتیکان

(واتیکان n.d.) کالای مشترک را به عنوان "جمع شرایط اجتماعی که به مردم، چه به عنوان گروه و چه به عنوان افراد امکان می‌دهد، به آسانی و راحت‌تر به تحقق خود می‌رسند" تعریف کرد. و دیوید هلنباخ (۱۹۸۹: ۹۳)، یک محقق کاتولیک، نتیجه می‌گیرد که "منافع مشترک که از نتایج مشترک تاریخی به دست می‌آید، خواستار احترام به تعدد جامعه انسانی است و چنین احترامی باید از نظر سیاسی، قانونی و اقتصادی نهادینه و حمایت شود." این بدان معناست که، حتی اگر خیرنهایی یک تعریف مطلق و مطلق خدا داشته باشد، دنبال کردن آن نیاز خوب، مستلزم تحمیل باور و عمل مسیحی بر همه مردم نیست (اتزیونی، ۲۰۱۵، ۳-۱).

۴.۴ رویکردهای خیر عمومی کمونیستی در مقابل مفهوم لیبرال از خیر عمومی

در جوامع کمتر فردگرا که بسیاری از آنها غیر غربی هستند ارزش کالای مشترک به ندرت زیر سوال می‌رود. با این حال، وضعیت هنجاری منافع مشترک برخلاف حقوق مترتب بر آن برای بسیاری از مردم در غرب کاملاً مشهود است. استفاده از اصطلاح "منافع مشترک" در بسیاری از موارد محل بحث قرار می‌گیرد. اول، کسانی هستند که استدلال می‌کنند که اصلاً چنین چیزی وجود ندارد. آین راند فیلسوف (براندن و راند، ۱۹۸۶: ۲۰) در کتاب سرمایه‌داری: ایده ناشناخته؛ نوشت که:

هیچ موجودیتی مانند "قبیله" یا "عموم" وجود ندارد. قبیله (یا مردم یا جامعه) فقط تعدادی از افراد جداگانه هستند. هیچ چیز نمی‌تواند برای قبیله خوب باشد؛ "خوب" و "ارزش" فقط به یک ارگانیزم زنده به یک موجود زنده مرتبط است نه به یک مجموعه جدا شده از روابط.

کمونیست‌ها بر این باورند که منافع مشترک صرفاً به معنای جمع کلیه کالاهای شخصی یک جامعه نیست. مشارکت در مورد خیر عمومی و منافع مشترک معمولاً هیچ فایده‌ای ندارد. پیش بینی اینکه افراد ذینفع در درازمدت چه کسانی باشند، غالباً غیرممکن است. هنوز، اعضای جوامعی که از سرمایه‌گذاری منافع مشترک در آن حمایت می‌کنند، نه به این دلیل که لزوماً یا حتی محتمل باشد وجود دارد. آنها شخصاً یا حتی به فرزندانشان سود می‌رسانند، اما به دلیل این که آنها این را خوب می‌دانند که باید پرورش یابند و رشد کنند. آنها این کار را برای انجام دادن، به خودی خود درست می‌دانند. این توضیحات فقط کسانی

را که ادعای چنین مواردی را دارند، غافل گیر می‌کند، حتی وقتی ما به روش‌های کاملاً نوع‌دوستانه عمل می‌کنیم، همیشه انگیزه‌ای از خود و خدمت به خود داریم. برای همه افراد دیگر، نمونه‌هایی از چنین کالاهای معمولی کاملاً آشکار است: علاوه بر موارد مرتبط با دفاع ملی و تحقیقات بنیادی، که در بالا مورد بحث قرار گرفت، بهداشت عمومی و حفظ محیط‌زیست نمونه‌هایی از کالاهای معمولی است که به طور گسترده پذیرفته شده است. ماهیت مورد علاقه این اقدامات به ویژه هنگامی که تحقق منافع عمومی مستلزم صرفاً هزینه‌هایی برای فرد نیست (به عنوان مثال مالیات) بلکه به عنوان خطرات وجودی برخی از انواع خدمات مانند جنگیدن برای کشور است.

لیبرال‌ها استدلال‌های مفصلی را ارائه داده اند که توضیح می‌دهند که چرا مردم در این کالاهای عمومی سرمایه‌گذاری می‌کنند که لزوماً به آنها سود نمی‌رساند، بدون اینکه فرض خود مبنی بر اینکه افراد تسلیم حداکثر ابزارهای منطقی هستند، می‌شوند. به عنوان مثال، آنتونی داونز، گوردون تولوک و ویلیام رایکر همه تعجب کرده‌اند که چرا یک بازیگر (کنشگر) منطقی زحمت رأی دادن را تقبل می‌کند. این دانشمندان علوم اجتماعی فرض می‌کنند که "رای دهنده ابزار مورد انتظار را از پیروزی هر کاندیدا محاسبه می‌کند، و طبعاً به کاندیدایی که سیاست‌های آن نوید دهنده بالاترین بهره است، رای می‌دهد" (مولر ۲۰۰۳: ۳۰۴). با این وجود احتمال اینکه رأی هر یک از رای دهندگان بر نتیجه همه تأثیر بگذارد، در نزدیکترین انتخابات تقریباً صفر نیست. داونز و دیگران سعی کردند استدلال کنند که مردم در حقیقت رای می‌دهند زیرا آنها معتقدند که نتایج به دست آمده یا همان منفعت شخصی هزینه رفتن به انتخابات را جبران کرده و یک رای آنها می‌تواند در سرنوشت انتخابات تعیین کننده باشد. با این حال، معلوم می‌شود که بسیاری از میلیون‌ها رأی‌دهنده در زمان انتخابات با این استدلال در رای‌گیری حاضر می‌شوند.

در واقع، شواهد نشان می‌دهد که مهمترین عاملی که توضیح می‌دهد که آیا یک شخص رأی خواهد داد، میزان رای دادن به "وظیفه شهروندی" خود او است. آندره بلیز (۲۰۰۰: ۱۳۷)، استاد علوم سیاسی، نشان داده که "حدود نیمی از رأی دهندگان... از روی حس قوی تعهد اخلاقی رأی می‌دهند، زیرا آنها معتقدند رأی دادن اشتباه نیست. آنها مزایا و هزینه‌ها را محاسبه می‌کنند."

دومین انتقادی که معمولاً از طرف حامیان رویکرد منافع عمومی ابراز می‌شود از طرف چپ‌ها که معتقدند این مفهوم همانگونه که آشکار است به عنوان مثال، در فراخوان خدمت به "سرزمین پدری" یا "کلیسای مادری" برای پنهان کردن اختلافات طبقاتی در منافع اقتصادی و قدرت سیاسی به منظور حفظ کسانی که از انجام مطالبات جامعه محروم هستند، استفاده می‌شود. درواقع، این منتقدین در حد ادعا می‌توانند از این مفهوم سوءاستفاده کنند، درست مانند اینکه وقتی ترس از تروریسم برای توجیه محدود کردن آزادی فردی به هم می‌خورد، صحیح است. با این حال، این واقعیت که از یک مفهوم سوءاستفاده می‌شود. یک سرنوشت مشترک برای هر مفهوم قانع کننده است، به این معنی نیست که لزوماً درخور تامل نباشد. در غیر این صورت باید با مفاهیمی چون علم، عقلانیت و اجتماع نیز چنین فرض کنیم که همه اینها قابل سوءاستفاده است. در این صورت، با توجه به اینکه آیا این اصطلاحات در اصل تعریف شده یا تحریف شده و برای اهداف ایدئولوژیک مورد استفاده قرار می‌گیرند، می‌توان آنها را نادیده گرفت. سرانجام، کسانی وجود دارند که به این دلیل که ذاتاً بخاطر اینکه حقوق فردی و اقلیت تهدید می‌شود، لذا مخالف دستیابی به منافع عمومی نیستند. لیبرال‌ها و آزادیخواهان تمایل دارند که تعاریف سفت و سخت از کالاها را محکوم کنند، زیرا می‌ترسند در صورت پذیرش چنین فرمول‌هایی، حتی اگر در ابتدا فقط به دلایل هنجاری باشد، دولت وسوسه شود و نظامات سختی را در پیش گیرد که آزادی‌های فردی را محدود نماید. در واقع وادار کردن افراد به خدمات غیر ارادی. این به نوبه خود باعث کاهش آزادی فردی خواهد شد خیری که برای آزادی خواهان و بسیاری از لیبرال‌ها، چنین است که در نهایت خیر عمومی همگان را نیز بر باد می‌دهد. برای افرادی که دارای چنین رویکرد سیاسی هستند، تقاضا برای خدمت به منافع عمومی به معنای تایید و انطباق اجباری رژیم‌های استبدادی، کلیساهای پرتحرک و اجتماعات سرکوبگر و نظام‌های سلطانی است (گوتمان ۱۹۸۵: ۳۱۹). در عوض، بسیاری از آزادیخواهان تصور می‌کنند که هر شخص باید تصمیم بگیرد که چه چیزی این امر را خلق می‌کند و جامعه باید پس از آن سیاست‌های عمومی خود را بر تجمیع این گزینه‌های فردی بنا کند.

مایکل جی. ساندل و چارلز تیلور، در میان دیگر کمونیست‌های دانشگاهی، از زیربناهای فلسفی این مکتب فکری لیبرال و آزادیخواه انتقاد کرده‌اند. آنها استدلال می‌کنند که لیبرالیسم و آزادیخواهی معاصر فرض بر این است که مفهوم ناسازگار از فرد به عنوان موجودی خارجی و جدا از جامعه وجود دارد نه اینکه در درون آن تعبیه شده باشد. از آنجا

که هویت فردی تا حدودی توسط فرهنگ و روابط اجتماعی شکل یافته است (یا "ساخته شده" است)، هیچ روش منسجمی برای تدوین حقوق یا منافع فردی برگرفته از متن اجتماعی آنها وجود ندارد. به ویژه، اینکه کمونیست‌ها استدلال می‌کنند که هیچ نکته‌ای در تلاش برای به دست آوردن نظریه عدالت از اصولی که افراد در آن انتخاب می‌کنند وجود ندارد. یک وضعیت فرضی ناشی از عدم آگاهی از اوضاع اجتماعی، اقتصادی و تاریخی آنها (به عنوان مثال، از پشت "حجاب جهل" راولزی)، زیرا چنین افرادی و تک تک انتخاب‌های آنها نمی‌توانند موجد شناخت باشند. مؤثرترین راه تقویت هنجارهای رفتاری بر این اساس استوار است که افراد نیاز به تأیید مستمر از طرف دیگران دارند، به ویژه از طرف کسانی که با آنها پیوندهای عاطفی و دلبستگی دارند مانند اعضای جامعه خود که با آنها چنین هستند (بالایس، ۲۰۰۰، ۵).

۵. نتیجه گیری

سنت کثرت‌گرایانه علوم سیاسی، که تا حد زیادی فرضیات اقتصاد نئوکلاسیک را اتخاذ می‌کند، جایی برای رویکردی منسجم از منافع عمومی ندارد، و در برخی موارد از چنین تصویری انتقاد می‌کند که به طور ضمنی ضد دموکراتیک است. متفکران پلورالیست، با تکیه بر پایه‌های اقتصادی نظریه خود، استدلال می‌کنند که در یک رقابت دموکراسی آزاد و قوی بین گروه‌های ذینفع که ترجیح افراد (یعنی کالاهای خصوصی) را آشکار می‌کند و هدایت می‌شود یک سیاست عمومی ایجاد می‌کند که حداکثر رفاه عمومی را به حداکثر برساند. متفکران مسیحی، در کشاکش بین خیر عمومی و تضادهای منافع فردی راهی بینابین را پیموده و عمدتاً به سود منافع عمومی برداشت خود از خیر عمومی را با مفاهیم الهیات مسیحی در آمیخته و خیر عمومی را فراتر از برداشت منفعت و در قالب یک کالبد معنوی هم در نظر گرفته‌اند.

درک سیاست از نظر افراد مستقل و منزوی و منافع آنها. در این چشم انداز سیاست به عنوان یک عرصه است ... [که] در علوم سیاسی معاصر هرگونه تصور معتبر از منافع عمومی یا یک خیر عمومی را غیرممکن می‌کند ... زیرا هیچیک از مجامع عمومی یا مجامعی غیر از جمع‌آوری افراد و گروه‌های ذینفع خاص وجود ندارد و آنها در چنین شرایطی شکل می‌گیرند (کوکران، ۱۹۷۴: ۳۲۸).

مخالفان لیبرال اندیشه سیاسی خیرعمومی، معتقدند که اهداف و ارزش‌های انتخابی محدود کننده روند دموکراتیک، لازم است تا رقابت معنادار وجود داشته باشد (نه یک روال)، و همچنین برای اطمینان از این امر که علل حاشیه نشین یا کم بازده اما ذاتاً شایسته است که در سیاست های عمومی باید در پیش گرفته شود. با این حال، چنین انتقاداتی هنوز از این نکته مهم‌تر غافل می‌شود که کثرت‌گرایان گروه علاقه‌مند نتوانند به درستی مفاهیم عمومی را در چارچوب هنجاری خود بگنجانند. به راحتی می‌توان پذیرفت که یک روند کثرت‌گرایانه دموکراتیک محدود، بهتر از یک روند عادلانه است، در حالی که آنان انکار می‌کنند که هر گونه عقیده‌ای به عنوان خیرعمومی و منافع مشترک مرتبط با آن وجود دارد. در عوض، ممکن است به سادگی تصور کنیم که یک کثرت‌گرایی محدودکننده بهترین وسیله برای پیشبرد منافع فردی است. بنابراین، چنین تصویری، اکنون به یک درک کمونیستی از سیاست تبدیل می‌شود که منافع مشترک را در نقطه مقدم و مرکز تجزیه و تحلیل هنجاری قرار دهد.

پی‌نوشت

۱. نمونه بارز و اخیر آن را می‌توان در کشته شدن یک سياهپوست به دست پلیس سفید پوست امریکا ملاحظه نمود که منجر با آشوب و اعتراضات سراسری در بسیاری از ایالت‌های آمریکا شد.

کتاب‌نامه

اباذری، یوسف، ۱۳۷۷، خرد جامعه‌شناسی، تهران. طرح نو.
ابراهیمی، نادر، مردی در تبعید ابدی (براساس داستان زندگی ملاصدرای شیرازی)، انتشارات فکر روز، تهران ۱۳۷۵
اصفهان‌ی، اسماعیل، شرح العرشیه، چاپ سنگی (حاشیه عرشیه)، تهران، ۱۳۱۵ ق.
فتخاری، اصغر (۱۳۷۷)، مصلحت شرعی و حاکمیت سیاسی (برگرفته از مبحث دوم از فصل دوم کتاب "الابعاد السياسية لمفهوم الحاکمیه" نوشته هشام احمد عوض جعفر)، فصلنامه حکومت اسلامی، شماره نهم

تحلیل مقایسه‌ای مفهوم خیر عمومی و بر ساخت آن ... (حسین رضایی و دیگران) ۸۳

دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، لغتنامه، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ دوم از دوره جدید

سلطانی، حسن (۱۳۹۲) بررسی نظریه های نفع عمومی و آثار آنها بر قوانین و نهادهای سیاسی در چارچوب حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، سمنان: دانشگاه سمنان

مریدی، سیاوش و نوروزی (بی‌تا)، علیرضا، فرهنگ اقتصادی، موسسه کتاب پیشبرد و انتشارات نگاه، اول

ملک محمدی، حمیدرضا (۱۳۸۳) سیاستگذاری عمومی، تهران، انتشارات دادگستر
نوبهار، آمنه (۱۳۹۱) "خیر عمومی در اندیشه سیاسی مسیحیت و اسلام" پایان نامه کارشناسی ارشد
دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی
وحید، مجید (۱۳۸۳) سیاستگذاری عمومی، تهران، نشر میزان.

Aquinas, T. (1972) *Summa Theologiae*, vol. 35, *Consequences of Charity*. New York: Cambridge University Press

Aristotle. (1941) *Politics*, trans. B. Jowett. In R. McKeon (Ed.), *The Basic Works of Aristotle*. New York: Random House.

Blais, A. (2000) *To Vote or Not to Vote: The Merits and Limits of Rational Choice Theory*. Pittsburgh: University of Pittsburgh Press

Bodansky, Daniel (2012) What's in a Concept? Global Public Goods, International Law, and Legitimacy, *The European Journal of International Law*, Vol. 23 No. 3, 651–668

Calhoun C. (1998) "The Public Good as a Social and Cultural Project". In: W. W. Powell and E. S. Clemens (eds) *Private Action and the Public Good*. New Haven, CT: Yale University Press, pp. 20–35. *Cambridge Quarterly of Healthcare Ethics* 20 (4):554-562

Chen A.H.Y. (2014) "The Concept of 'Datong' in Chinese Philosophy as an Expression of the Idea of the Common Good". In Solomon D. and Lo P.C. (eds) *The Common Good: Chinese and American Perspectives*. Dordrecht: Springer, pp. 85–102.

Cicero (1928a) "On the Laws". In: Keyes C.W. (trans.) *On the Republic, On the Laws*.

Douglass B. (1980) "The Common Good and the Public Interest". *Political Theory* 8 (1), pp. 103–117.

Etzioni A. (2004) *The Common Good*. Cambridge: Polity Press.

Etzioni A. (2006) "A Neo-Communitarian Approach to International Relations: Rights and the Good". *Human Rights Review*, 7(4), pp. 69–80.

-Etzioni A. (2015) *The Encyclopedia of Political Thought*, First Edition. Edited by Michael T. Gibbons. John Wiley & Sons, Ltd. Published 2015 by John Wiley & Sons, Ltd.

Etzioni, A. (1999) *The Limits of Privacy*. New York: Basic Books.

- Finnis J. (2011) Collected Essays, Volume III: Human Rights and the Common Good. Oxford University Press
- Gutmann, A. (1985) "Communitarian Critics of Liberalism," Philosophy & Public Affairs, 14 (3), 308 – 22.
- Hollenbach D. (2002). The Common Good and Christian Ethics. Cambridge: Cambridge University Press.
- Hollenbach, D. (1989) "The Common Good Revisited," Theological Studies, 50 (1), 70 – 94.
- Hollenbach, David S.J. (2004) The Common Good and Christian Ethics, Cambridge university press
- Honohan I. (2002) Civic Republicanism. London: Routledge.
- Johnson-DeBaufre, Catherine Keller, and Elias Ortega-Aponte. (2015) Common goods : economy, ecology, and political theology, Fordham University Press
- Kempshall M.S. (1999) The Common Good in Late Medieval Political Thought. Oxford: Clarendon Press.
- Keys M.M. (2006) Aquinas, Aristotle, and the Promise of the Common Good. Cambridge: Cambridge University Press.
- Keys M.M. and Godfrey C. (2010) "Common Good". In: M. Bevir (ed.) Encyclopedia of Political Theory. Los Angeles: Sage, pp. 239–242.
- Lo P.C. and Solomon D. (2014) "The Common Good". In: Solomon D. and Lo P.C. (eds) The Common Good: Chinese and American Perspectives. Dordrecht: Springer, pp. 1–18.
- MacIntyre A. (1998) "Politics, Philosophy and the Common Good". In: Knight K. (ed.) The MacIntyre Reader. Cambridge: Polity Press, pp. 235–252.
- Mansbridge J. (2013) "Common Good". In: LaFollette H, (ed.) The International Encyclopedia of Ethics, Vol. II. Malden, MA: Wiley-Blackwell.
- Maritain J. (1946) "The Person and the Common Good". The Review of Politics, 8 (4), pp. 419–455.
- Michael Reisch (2018) For the Common Good Essays of Harold Lewis, Brunner-Routledge New York and Hove
- Miller, Peter N. (1994) Defining the common good: empire, religion and philosophy in eighteenth-century Britain, Cambridge University Press
- Pettit P. (2004) "The Common Good". In: Goodin R.E., Dowding K. and Pateman C. (eds) Justice and Democracy: Essays for Brian Barry. Cambridge: Cambridge University Press, pp. 150–169.
- Plato. (1968) The Republic, trans. A. Bloom. New York: Basic Books
- Rand, A. and Branden, N. (1986) Capitalism: The Unknown Ideal. New York: Penguin Books
- Riordan P. (2008) A Grammar of The Common Good: How to Make Sense of Globalization. London: Continuum.

- Riordan, Patrick. (1996) *The Politics of the Common Good*. Dublin, Ireland: Institute of Public Administration,
- Salvatore, Armando and Dale F. Eickelman (2004) *Public Islam and the common good*, Koninklijke Brill NV, Leiden, The Netherlands
- Schlag .Martin , Juan Andrés Mercado(2012) *Free Markets and the Culture of Common Good*, Springer Science+Business Media B.V
- Sandel M.J. (1982) *Liberalism and the Limits of Justice*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Smith , A. (2001) *Wealth of Nations* , ed. C . J. Bullock. New York: Collier.
- vatican. (n.d.) "The Common Good " Catechism of the Catholic Church, § 1906, http://www.vatican.va/archive/ccc_css/archive/catechism/p3s1c2a2.htm (accessed January 16, 2014).
- Yuengert , A. (2009) " The Common Good for Economists ," *Faith and Economics* , 38, 1-9
- Zaman M.Q. (2004) "The Ulama of Contemporary Islam and Their Conception of the Common Good". In: Salvatore A. and Eickelrnan D.F. (eds) *Public Islam and the Common Good*. Leiden: Brill, pp. 129-156